

سیزده به در بی‌در دسر

زینت رضایی

روز طبیعت یه بهونه است برای اونایی که می‌خوان با طبیعت آشتی کنن. برای اونایی که می‌خوان برن با طبیعت دید و بازدید کنن. برای اونایی که دلشون برای طبیعت تنگ شده، برای اونایی که عاشق طبیعت هستن، برای اونایی که...

اصلاً مهم نیست که برای چی به طبیعت سر می‌زنی، حتی اگه طبیعت برات مهم نیست و به گمان اشتباه نحسی روز سیزدهم فروردین (!) از خونه بیرون می‌زنی. مهم اینه که چه کار کنی که هم به تو خوش بگذره هم به طبیعت! من یه راه حل سیزده مرحله‌ای بهت پیشنهاد می‌کنم. اگه دلت خواست بهش عمل کن، اگر هم دلت نمی‌خواد این صفحه‌ها رو نخون اما بعداً نگی کسی به من چیزی نگفت!

مرحله اول: از همون روز اول نوروز به فکر روز آخرش باش؛ یعنی یه جوری شیرینی و آجیل بخور و یه جوری بخواب که روز آخر تعطیلات عید بتونی از چهارچوب در خونه بیرون بزنی. یه جوری که سایز کم‌تر از عرض چهارچوب در خونه‌تون بیش‌تر نشه! این رو به‌خاطر خودت می‌گم نه به‌خاطر طبیعت.



مرحله دوم: تکالیف عیدت رو به موقع انجام بده! این یه پیام آموزشی تربیتی نیست. از ما گفتن بود. حالا روز آخر نشینی بگی وقت ندارم پیام بیرون، کلی درس و مشق دارم؛ حتی اگه بی خیال مشقات هم بشی فکر کارای عقب‌مونده هم کافیه تا شیرینی روز رو زهرمارت کنه.

مرحله سوم: از همون روزهای اول به فکر طبیعتی باش که می‌خوای بهش سر بزنی. فکرت رو یه خورده پرواز بده به جاهای دوردست. از گلگون توی طاقچه و باغچه جلوی خونه عبور کن. حتی از پارک سر کوچه‌تون هم بگذر و بزَن به دشت و کویر و کوه و صحرا و دریا. فقط مواظب باش تو این مرحله گم نشی.

مرحله چهارم: جلوی خطرات احتمالی که مانع بیرون رفتن می‌شه رو بگیر. از جمله این خطرات میشه به مهمان‌های ناخوانده‌ای اشاره کرد که به «لنگر انداختن» خیلی علاقه دارن. پیشنهاد می‌کنم که از روز دهم عید در خانه را به روی هیچ‌کسی باز نکنید، حتی شما دوست عزیز!

مرحله پنجم: این مرحله رو چون تو رفیقمی و خیلی دوست دارم بهت می‌گم. یه وقتی گول تبلیغات فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیون رو نخوری و بشینی توی خونه. همه این فیلم‌ها و سریال‌ها نه فقط در طول سال جدید، بلکه در طی قرون متمادی از شبکه‌های مختلف تلویزیونی، بارها و بارها تکرار خواهند شد. پس یالله! زود باش. از خونه بزَن بیرون!

مرحله ششم: نخند! می‌گم نخند! به ماشین بابات نخند! ببین همین ابوقراضه که کلی بد و بیراه در طول ایام تعطیلات بارش کردی چه‌طور

مخلصانه تو رو به آغوش طبیعت می‌رسونه!

مرحله هفتم: به این نکته دقت کن که حجم خوراکی‌هایی با خودت می‌بری، با طول روز هماهنگ باشه. از ما گفتن بود. یه وقت نشه که چشم باز کنی و ببینی که از وقتی رفتی بیرون، نشستی رو یه نقطه از زمین و ناگهان در اون لحظه به خودت بیای و ببینی که روز تموم شده اما خوراکی‌های تو هنوز تموم نشده. همون موقع است که تازه باید توی تاریکی دنبال طبیعت بگردی.

مرحله هشتم: به ضریب استحکام درخت توجه داشته باش! نترس! خیلی ساده است. لازم نیست که ماشین حساب برداری و روز آخر عید رو با حساب و کتاب کردن بگذرونی. فقط ببین این درختی که می‌خوای بهش تاب ببندی، با هیکل تو تناسب داره یا نه! به خاطر خودت می‌گم والا بی خیال طبیعت!

مرحله نهم: فکر نکن خیلی زرنگی وقتی شب قبل، ساعت خونه رو دست‌کاری می‌کنی تا بابات خواب بمونه و سر صبحی از خواب بیدارت نکنه. وقتی لنگ ظهر از خونه زدی بیرون و تو طبیعت جایی برات باقی نمونه بود که بساطت رو پهن کنی، اون‌وقته که می‌فهمی تو زرنگ‌تری یا بقیه مردم طبیعت‌دوست.

مرحله دهم: بازی نکن! خب وقتی بلد نیستی بازی نکن! مگه مجبوری خودت رو به زور توی بازی «بوسطی» بچپونی. هم بچه‌های گروهت رو لت و پار می‌کنی هم باعث شکست گروه می‌شی، اما اینو بدون که این شکست چیزی از ارزش‌های تو کم نمی‌کنه. برو فوتبال یا والیبال بازی کن. برو

طناب‌کشی کن. برو بدمینتون، هفت‌سنگ و... نه! هیچ‌کدوم از اینا رو بلد نیستی؟! خب برو «یه قل دو قل» یا گل یا پوچ بازی کن. اینا رو هم بلد نیستی؟! می‌خوای تَبَلت در بیاری؟ از طبیعت خجالت بکش. دست به گوشی نزن! برو یه گوشه توی هوای آزاد بخواب. این قدر هم آرامش طبیعت رو به هم نزن.

مرحله یازدهم: یه نگاه به مامان و بابات بنداز. پاشو پاشو! تو هم یه تکونی به خودت بده و یه گوشه از کار رو بگیر.

مرحله دوازدهم: این قدر به غذا غر نزن! چت شده؟ این قدر با حسرت به کباب خانواده کنار دستی‌تون نگاه نکن. بلند شو تو هم یه آتش درست و حسابی راه بنداز. پاشو یه چایی آتیشی مَشت دم بذار که مزه‌ش تا آخر سال زیر زبونت بمونه. راستی، مواظب درختی که نزدیکش آتیش روشن می‌کنی باش. شاخه درختا رو برای آتیش نشکنی که دودش اول توی چشم خودت میره.

مرحله سیزدهم: اگه وقت کردی یه نگاه عمیق به دور و برت بنداز. اگه این کار رو کردی سلام من رو هم به سبزه‌ای که تازه سرش رو پا زحمت از دل خاک بیرون کشیده برسون. دست گلت هم درد نکنه که زباله‌ها رو هم جمع می‌کنی و با خودت می‌بری تا برسونیشون به سطل زباله.

حالا من همه این حرفا رو زدم اما تو هر جوری که دلت خواست به طبیعت سر بزَن. اصلا هر وقت دلت خواست سر بزَن! وقت و بی‌وقت سر بزَن! خدا و کیلی سر بزَن! بالاغیر تا سر بزَن! ●